



پیروزی انقلاب اسلامی ایران و افزایش اعتماد به نفس گروه‌های اسلامی در خاورمیانه باعث شد سیاست خارجی آمریکا در منطقه با بزرگ‌ترین شکست روبه‌رو شود. در واقع به دنبال سرنگونی شاه، لغو پیمان ستو و نبود ژاندارم در خلیج‌فارس، این کشور نه‌تنها اهرم قدرت خود را در منطقه از دست داده بود، بلکه با کشوری مواجه شده بود که سایر ملت‌های منطقه را نیز علیه نظم آمریکایی تحریک می‌کرد. از سوی دیگر اشغال لانه جاسوسی نیز موجب شده بود آمریکا در سطح جهان تحقیر شود، براین اساس این کشور همواره به دنبال اجرای سیاست‌هایی بود که ایران انقلابی را مهیا کند. در این راستا یکی از سیاست‌های آمریکا تشویق صدام به حمله به ایران و ارسال انواع سلاح‌ها به این کشور در زمان دفاع‌مقدس بود. این نواستاز درصدد است این مساله را مورد بررسی قرار دهد.

■ **اعترافات خود آمریکایی‌ها**

مساله تحریک و تشویق عراق به حمله به ایران توسط آمریکا موضوعی است که تاکنون در کتاب‌ها و نشریات گوناگونی مطرح شده است.

بعنوان مثال «جولیوتو کیه‌زا» در کتاب تهاجم

دکتر میثم پاشایی<sup>۱</sup>: امروز ظرفیت‌ها و امکانات بخش کشاورزی تابع ۲ اصل مهم سرمایه‌گذاری و شرایط بازار است. این ۲ عامل تحقیقا در فعال سازی پتانسیل‌های بالقوه کشور و به‌کارگیری منابع مختلف از جمله منابع نیروی انسانی، ذخایر مالی و پولی، نهاده‌ها ظرفیت‌های صنعت غذا و بخشی از صنایع مرتبط و نیازمند مواد خام کشاورزی کارساز هستند. به عبارت دیگر، زمینه‌سازی برای حضور و ورود سرمایه به بخش کشاورزی و تمایل سرمایه‌گذاران که از اصل سرمایه مهم‌تر است و نیز بسترسازی مناسب برای تعامل با مشتری در سطح بازارهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اصل مهمی در پایداری تولید است. سیاست‌های تنظیم‌شده یا در دست تنظیم برای تحقق ۲ هدف فوق، با واقعیت موجود در فرآیند مدیریت تولید بخش کشاورزی هماهنگی لازم را ندارد. نظریه تولید صادراتی که بطور علمی بیش از یک دهه از عمر آن در ایران می‌گذرد، اگرچه براساس احکام برنامه ششم توسعه دارای یک چشم‌انداز قابل تحقق و پایدار در میان‌مدت بود لیکن اعمال سیاست‌ها و تصمیمات غیر کارشناسی، از استحکام زیربناها و تثبیت شاخص‌های رسیدن به این هدف در بخش کشاورزی کاسته است. وضعیت نه‌چندان مساعد امور تحقیقات، آموزش و ترویج در بخش کشاورزی که یکی از ارکان مهم ایجاد پایداری در فرآیند توسعه‌بخش کشاورزی و ارتقای شاخص‌های کمی و کیفی آن است، متأسفانه با پدیدار شدن تفکرات سطحی در عرصه علم و فناوری که نیازمند تثبیت مدیریت و ساختار و رویکردهای توسعه‌ای به موازات پیشرفت علوم در جهان است به سوی مسیری انفعال‌گرایانه و خلاقیت‌زدا حرکت کرده است. واقعیت این است که پایه‌های علمی و منابع انسانی متخصص در حوزه تحقیقات کشاورزی بدون آمیختگی با پیشرفت‌های جهانی و توسعه ارتباطات مستقیم و حضور فعال در مجامع و رویدادهای بین‌المللی قطعا به روزمرگی خواهد افتاد.

یقینا امکانات، ظرفیت‌ها و نیروهای انسانی ماهر و متخصص در بخش کشاورزی که بیش از ۹۵ درصد بهره‌برداران آن متعلق به بخش غیردولتی هستند، این توان را دارند تا در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط، با‌ناگهی علمی‌مبتنی بر اهداف بلندمدت اقتصادی کشور راهگشا و پشتیبان دولت و دستگاه‌های متولی بخش کشاورزی باشند. مشکلاتی نظیر عدم طراحی و ارائه یک سامانه علمی مناسب الگوی کاشت منطقه‌ای و محلی

## چرا آمریکا عراق را به جان ملت ایران انداخت؟

# اعتراف به تحریک صدام

- سیدمحسن موسوی‌زاده<sup>\*</sup>

حمایت سایر هیات‌های نمایندگی غربی در سازمان ملل را جلب کند تا دربار‌ه پیش‌نویس قطعنامه ایران که استفاده عراق از جنگ‌افزار شیمیایی را محکوم می‌کند، «رای ممتنع» دهند در غیر این صورت، ایالات متحده جریان این قطعنامه را متوقف می‌کند»<sup>(۲)</sup>

علاوه بر این، وزارت دفاع آمریکا اطلاعات مشخصات دیپلمات‌های ایرانی و برنامه‌های تدوین‌شده برای حمله به ایران با ذکر نقاط حساس برای بمباران نقاط مختلف آن‌را به طور دائم در اختیار دولت عراق قرار می‌داد. به‌عنوان مثال سال ۱۹۸۵ عراق با حمایت اطلاعاتی آمریکا، حمله‌ای هوایی به جزیره سیری -که به دلیل بُعد مسافت تصور می‌شد از حمله هوایی دور می‌ماند- انجام داد تا از این طریق صادرات نفت ایران را مختل کند.

در سال‌های جنگ، به دلیل اینکه صدام بیشترین درآمد ارزی خود را صرف خرید سلاح می‌کرد، پولی برای واردات مواد غذایی مورد نیاز مردم کشور نداشت؛ این مساله باعث شد توزیع برخی مواد غذایی مانند گوشت، در شهرهای عراق بشدت کاهش یابد. در این زمان آمریکا با ایجاد اعتبار ارزی برای این کشور، بستری فراهم کرد تا صدام بتواند به صورت نسبی، مواد غذایی از آمریکا وارد کند و از این طریق جلوی نارضایتی داخلی را بگیرد.<sup>(۳)</sup>

■ **آمریکا به دنبال چه بود؟**

از دید آمریکا فشارهای سیاسی و اقتصادی جنگ موجب فروکش کردن احساسات انقلابی مردم ایران شده و زمینه‌های لازم برای حضور مجدد این کشور در ایران را فراهم می‌کرد. همچنین جنگ باعث می‌شد فشارهای اقتصادی، نظامی و سیاسی منجر به نارضایتی مردم از حکومت شده و در نتیجه زمینه‌های لازم برای سرنگونی حکومت انقلابی فراهم شود. آمریکا با توجه به نزدیکی رژیم بعث به شوروی و ترویج ملی‌گرایی عرب، انتظار داشت با رانندازی جنگ علیه ایران بتواند با کترین‌زننده ایران را تضعیف کرده و رژیم‌های دست‌نشانده منطقه را تقویت کند. ایجاد تفرقه بین مسلمانان، رودررو قرار دادن کشورهای عربی با ایران، بازداشتن مسلمانان از توجه به اسرائیل و متوجه ساختن آنها به ایران، از دیگر اهداف آمریکا بود. همچنین هدف دیگر آمریکا امنیتی کردن فضای منطقه خاورمیانه

و ایجاد مسابقه تسلیحاتی در کشورهای منطقه بود تا از این طریق بسترهای لازم برای بازار سلاح‌های آمریکایی را در خلیج‌فارس فراهم کند.

■ **فرجام سخن**

سیاست آمریکا نشان می‌دهد این کشور بعد از شکست عملیات آزادسازی گروگان‌هایش و طرح کودتای نوزه که با باری این کشور برنامه‌ریزی شده بود، بهره‌جویی از توان کشورهای منطقه برای مهار انقلاب اسلامی را گزینه‌ای مناسب دانست. بر این اساس، سیاست تشویق عراق برای حمله به ایران را در پیش گرفته و در زمان جنگ نیز با ارسال انواع سلاح و تجهیزات و کمک‌های اقتصادی درصدد برآمد ایران را مهیا کند. با این حال تاریخ نشان می‌دهد ایران اسلامی برخلاف پیش‌بینی‌های آمریکا، نه‌تنها از مواضع خود دربار‌ه مخالفت با امریالیسم جهانی دست برنداشت بلکه از جنگ به عنوان اهرمی برای افشای ماهیت آمریکا و رژیم‌های دست‌نشانده این کشور در منطقه استفاده کرد؛ مساله‌ای که باعث شد اواخر دهه ۸۰ میلادی امواج ملی‌گرایی عرب، فروکش کرده و گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه با اقبال گسترده مردم مواجه شوند.<sup>(۴)</sup>

■ **پیش‌نوش**

۱- کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات کیا، ۱۳۸۰، صفحه ۱۹۸
۲- بهمن همایون، روابط پنهان آمریکا و عربستان، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۷۲-۷۱، مرداد و شهریور ۷۲، صفحه ۶۷
۳- فرهاد درویشی، ریشه‌های تهاجم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۰، صفحه ۲۵
۴- ابراهیم منتقی، الگو و روند در سیاست خارجی ایران، انتشارات دانشگاه مفید، بهار ۱۳۹۰، صفحه ۳۰۶
۵- کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، همان، صفحه ۲۹۴
۶- پیرس سالیونجرس، ترجمه: موسی احمدزاده، جنگ خلیج‌فارس، پرونده محرمانه، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰، صفحه ۲۶
۷- کنت آر. تیمون، سوداگری مرگ، ترجمه: احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، صفحه ۲۸۰
**دانشجوی دکترای علوم سیاسی منبع:برهان**

و میگو که جمله کالاهای دارای مزیت صادراتی و رقابتی در بازارهای جهانی است که با تصمیمات فرابخشی باید زیرساخت‌های تولیدی و تجاری آنها توسعه یابد. برخی از محصولات صادراتی بخش کشاورزی نظیر گیاهان دارویی نیازمند تزریق منابع و توسعه زیرساخت‌ها برای ایجاد صنایع با تکنولوژی بالا برای ساخت فرآورده‌های با ارزش بالا هستند تا از این طریق عایدی اقتصادی قابل توجهی برای کشور حاصل شود. کشت و صنعت‌ها یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ظرفیت‌ها در بخش کشاورزی هستند و فی‌الواقع می‌توان آنها را به عنوان مدل توسعه بخش کشاورزی معرفی کرد. البته اینگونه سامانه‌های ترکیبی که در ایران قلمتی کمتر از ۵۰ سال دارند در حال حاضر باید براساس یافته‌های علمی جدید با حمایت دولت و با جذب سرمایه‌گذاری خارجی به سایت‌های ترکیبی تولید محصولات زراعی، باغی، دامی، شیلاتی و… جهت‌دهی شوند. افزایش رانندمان تولید، تنوع تولید، کاهش هزینه‌ها، کاهش ضایعات، افزایش اشتغال، ارتقا و پایداری سطح شاخص‌های امنیت و سلامت محصولات تولیدی، تولید دانش و افزایش درآمدهای اقتصادی از جمله اهداف اینگونه کشت و صنعت‌ها و مدل‌های ترکیبی تولید است.

ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی در بخش کشاورزی از جمله عوامل بسیار موثر در تحقق اهداف میان‌مدت و بلندمدت بوده و با حمایت دولت و تامین سرمایه در گردش از منابع داخلی و خارجی، می‌تواند توانمندی بهره‌برداران را برای اجرای سیاست‌های تدوین‌شده افزایش دهد. از دیگر ظرفیت‌های بخش کشاورزی در کشور می‌توان به نیروی انسانی ماهر و متخصص اشاره کرد که بی‌توجهی به تامین زیرساخت‌های اشتغال آنان مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد. ظرفیت‌های اقلیمی و آب و هوایی کشور برای توسعه کمی و کیفی تولیدات بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های طبیعی است که باید مدل‌های تولیدی براساس اقلیم‌های مختلف و تغییرات فصلی و سالیانه آن با مطالعه دقیق برنامه‌ریزی شود. مجموعه‌ای با توجه به جمیع شرایط تولید بخش کشاورزی و ظرفیت‌ها بالقوه موجود، سمت و سوی سیاست‌ها و تصمیمات بخشی و فرابخشی باید متناسب با شرایط یادشده بوده و جهت‌گیری دستگاه‌های اجرایی برای تحقق اهداف توسعه بخش کشاورزی، مبتنی بر شتاب بخشیدن جریان توسعه در راستای افزایش رفاه، آبادانی، تولید ثروت مولد و کشاورزی پایدار باشد.

■ **مدرس دانشگاه**

### رنجنامه ۱۹

**نامه تاریخی سیداحمد خمینی**

**به آیت‌الله منتظری**

... زیر پوشش موافقت و تأیید حضرت‌تعالی دامن زده می‌شد که من ذیلاً به قسمت‌هایی از آن اشاره خواهم نمود. چه کسی جز اخوی از موقعیت خود نزد شما سوءاستفاده نمود و اخبار و گزارشات حساس انقلاب و کشور را به انگیزه حب و بغض‌های خطی در اختیار دوستان نزدیک قرار می‌داد و آتش جناح‌بندی بر ضمیمه‌سؤلان کشور را که خواه ناخواه به تفرقه‌افکنی منتهی می‌شد مشتعل ساخت؟ که تنها یک نمونه آن افشای جریان مک‌فارلین است که پس از بازداشت من و به انگیزه انتقام‌جویی از مسؤلان اجرایی کشور انجام گرفت و اطلاعات به‌کلی سسری انقلاب را در اختیار مشتئی افراد خام قرار داد که نتیجه‌ای جز کشتار بیرحمانه مردم بی‌گناه کشور در بمباران‌های هوایی نیمه دوم سال ۶۵ نداشت. چه کسی جز ایشان با همفکری و همکاری من و دوستان دیگر با ترفندهای مرموز و صرفاً به انگیزه‌های خطی حساسیت‌های حضرت‌تعالی را بر ضد فرماندهی سپاه در سال ۶۳ تشدید ساخت و با چشم‌پوشی از فداکاری‌ها و ایثارگری‌های رزمندگان سلحشورمان در جبهه‌ها تنها نقاط ضعف سپاه را خدمت شما گزارش نمود تا آنجا که رقابت و کشمکش با این ارگان انقلابی به لغو ملاقات‌های فرماندهی در حضرت‌تعالی منتهی گشت. چه کسی جز ایشان تحت تأثیر حساسیت‌ها و تحلیل‌های ذهنی غلط از روند انقلاب و تحولات کشور پندارهای شیطانی بر ضد امام امت روحی فساده را در ذهنیت خود و اندیشه اطرافیان پرورش می‌داد که نتیجه آن گزارشات انحرافی و مکتوب من و القانات تحریف شده ایشان خدمت حضرت‌تعالی و دامن زدن به یک تباهی بزرگ برضد روح خدا و یادگار انبیاء عظام و سلاله ابراهیم علی نبینا و آله و علیهم‌السلام بود؟ به دنبال این کج‌اندیشی‌ها که در اکثر موارد به دیدگاه‌های حضرت‌تعالی تشییت می‌شد، تحلیل ایشان و ما و طیف مرتبط با بیت شما از مسائل رهبری، جنگ، اقتصاد، معادله حاکمیت و… راه انحراف پیمود. چه کسی مسؤل مسامحه و سهیل‌انگاری مصلحت‌آمیز در برابر امواج زهرآگین انتقاده‌ها و نارضایی‌هایی است که دست‌های مرموز به انگیزه تفرقه افکنی بین حضرت‌تعالی و رهبری انقلاب و نظام به‌سوی بیت و دفتر شما هدایت می‌کردند و مگر همین امواج فرزندانه نارضایی‌ها نبود که از طرق گوناگون و به لطیف‌الحیل توسط اخوی و دیگران به حضرت‌تعالی منتقل می‌شد و مگر همین ترفندهای ناشیانه و مرموز موجب نگشت که بالاخره حضرت‌تعالی رابطه خویش با نظام را قطع بفرمایند. خدا را گواه می‌گیرم و آقای اخوی نیز اگر یک لحظه وجدان خویش را به دوری فرخواند شهادت خواهد داد که قطع رابطه با نظام راهاورد مجموعه حرکت‌های بود که ایشان با زمینه‌سازی ملاقات‌های خطی، بزرگ نشان دادن ضعف‌ها و کمبودهای کشور و ارائه تحلیل‌های افراطی و القانات حساب نشده و… طی چند ماه انجام داده است. البته انکار نمی‌توان کرد که علاوه بر زمینه‌های اولیه که در راستای تشخیص حضرت‌تعالی وجود داشته عوامل دیگری نیز مؤثر بوده است که چه بسا اخوی نیز از آنها بی‌اطلاع بوده است ولی قدر مسلم اینکه اگر ایشان نمی‌خواست چنین امری تحقق نمی‌یافت. فراتر از این بگویم اگر شرح صدر بی‌حد و مرز شما وجود نمی‌داشت و در سیاست اغراض از لغزش‌ها افسراط نمی‌فرمودید،بند و اصرار بر اشتباه‌های مداوم از نظام اجرایی کشور نمی‌داشتید و در برابر افراط‌ها و خطاهای اخوی و دیگران عکس‌العمل جدی و قاطع نشان می‌دادید موج سوءاستفاده و تندروی‌ها و لغزش‌ها و بدبینی‌ها مہار می‌گشت و در شرایطی که انقلاب اسلامی در حصار توطئه‌های استکبار جهانی قرار دارد و آتش جنگ از هر سو زبانه می‌کشد قلب نازنین امام امت روحی فداه به‌در نمی‌آمد و حوادث کنونی روند دیگری می‌یافت.

سوگند به ارواح مطهره شهدای جمعه خونین مکه و شهیدان انقلاب اسلامی بویژه شهید محمد رضوان‌الله علیهم اجمعین، که در بیان مطالب فوق انگیزه‌زای جز رضایت حق و مصلحت اسلام و آینده رهبری را نداشته و در فضای کاملاً آزاد و آگاه و بدون اینکه قصد تنقیص اخوی که سمت استادی بر من را دارد داشته باشم، از حضرت‌تعالی استعفا می‌کنم بدون توجه به جرائم و تخلفات من که فصل جداگانه‌ای با مفضل جریانات را خدمت شما در نامه دیگری به رشته تحریر در آورم.
رجوع من‌الله تعالی ان یوفقکم لمراضاه و سیدطمان.

«والسلام علیکم و رحمة الله»

ادامه دارد ...